



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.2, No.2, Issue 6, Summer 2023, P: 83-102

Receive Date: 2023/02/12**Revise Date:** 2023/07/15**Accept Date:** 2023/07/16**Article type:** Original Research**Online ISSN:** 2821-2339**DOI:** 10.30495/jcl.d.2023.1980031.1048

Constructivist Epistemology of the Model of Social Disasters in Crimes against Security Emphasizing the Disaster of Generation Gap and Multi-polarization

Sayyed Mohammad Reza Mousavi Fard¹
Maryam Forati²

۸۲

Abstract

Incorrect management of generation gap and social disasters resulted from that on one hand, is changed to crimes against general security and on the other hand, to identity gap. It is possible with the constructivist theoretical approach examine the model of social crises caused by the generation gap and with security and delinquency prevention criminological approaches during middle time and long time, reduced its' negative consequences. Constructivist approach provides best comprehension of social disasters caused by generation gap and its' aspects. In this approach, the role of different factors; such as social networks on the process of social disasters is examined. However today social networks are one of the important arms of enemy for generation gap, social multi-polarization and weakness of national and political unity. For management of social disasters caused by generation gap, crisis-inducing social demands should be distinguished from organized crimes against public security and for prevention from changing a generation gap to identity gap and improvement of social security, using delinquency prevention criminological approaches is necessary. However the constructivist approach and using delinquency prevention criminological in middle time or long time is resulted in decrease of mentioned disasters' functions and improvement of social security.

Keywords: constructivist epistemology of social disasters, prevention of security crimes caused by generation gap, delinquency prevention of social multi-polarization, prevention criminology of generation gap.

¹. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (corresponding author). mousavifard136394@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. ma.forati@yahoo.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

سال دوم - شماره ۲ - شماره پیاپی ۶ - تابستان ۱۴۰۲، ص ۸۳-۱۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

DOI: 10.30495/jcl.d.2023.1980031.1048

شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹

نوع مقاله: پژوهشی

شناخت‌شناسی سازه‌انگاران مدل بحران‌های اجتماعی در جرایم علیه امنیت

با تأکید بر بحران شکاف نسلی و چندقطبی‌سازی

سید محمد رضا موسوی فرد^۱

مریم فراتی^۲

چکیده

مدیریت نادرست شکاف نسلی و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن، از یک سو به جرایم علیه امنیت عمومی و از دیگر سو، به حفره هویتی تبدیل می‌گردد. می‌توان با رویکرد تئوریک سازه‌انگاران، مدل بحران‌های اجتماعی ناشی از شکاف نسلی را بررسی و با رویکردهای جرم‌شناسی پیشگیرانه رشد مدار و امنیتی در میان مدت و بلند مدت، از تبعات منفی آن کاست. رویکرد سازه‌انگاران، درک بهتری از بحران‌های اجتماعی ناشی از شکاف نسلی و ابعاد آن، فراهم می‌آورد. در این رویکرد، نقش عوامل مختلفی مانند شبکه‌های اجتماعی بر جریان بحران‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چه اینکه امروزه، شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهمترین سلاح‌های دشمن برای شکاف نسلی، چند قطبی‌سازی اجتماعی و تضعیف وحدت ملی و سیاسی است. برای مدیریت بحران‌های اجتماعی ناشی از شکاف نسلی، باید مطالبات اجتماعی بحران‌زا را از جرایم سازمان‌یافته علیه امنیت عمومی تمایز داد و برای پیشگیری از تبدیل شکاف نسلی به حفره هویتی و بهبود امنیت اجتماعی، استفاده از رویکردهای جرم‌شناسی پیشگیرانه رشد‌مدار ضروری است؛ چه اینکه رویکرد سازه‌انگاران و استفاده از رویکردهای جرم‌شناسی پیشگیرانه رشد مدار، در میان مدت و یا بلندمدت به کاهش تأثیرات بحران‌های مذکور و بهبود امنیت اجتماعی می‌گراید.

واژگان کلیدی: شناخت‌شناسی سازه‌انگاران بحران‌های اجتماعی، پیشگیری از جرایم امنیتی ناشی از شکاف نسلی، پیشگیری رشد مدارانه از چند قطبی‌سازی اجتماعی، جرم‌شناسی پیشگیری از شکاف نسلی.

۱. استادیار گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

mousavifard136394@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. ma.forati@yahoo.com

بحران اجتماعی عبارت است از به مخاطره افتادن و به هم خوردن تبادل عمومی^۱ و زندگی اجتماعی، بر اثر اختلالات یا مقتضیات پدید آمده در جزء یا اجزایی از جامعه، که یا بر اثر عدم سازگاری سازمان های اجتماعی با یکدیگر و یا به خاطر ناتوانی مؤسسات اجتماعی در تحقق اهداف ساخت ها و نهادهای اجتماعی به وجود می آید. بحران اجتماعی سطوحی دارد که شامل آشفتگی اجتماعی، بی سازمانی اجتماعی و انقلاب اجتماعی می شود. تغییر در ساختارها باعث گسسته شدن رفتار و روابط متقابل می گردد و در نتیجه فرایند جامعه پذیری مختل و غیر مؤثر شده و در نهایت بحران اجتماعی ظاهر می شود.

برخی از مواقع بحران های اجتماعی که در یک کشور روی می دهد، نوعاً با بهانه گیری های سیاسی و اجتماعی شروع می شود، که دلایل اصلی دیگری همچون شکاف هویتی و نسلی دارد که درست مدیریت نشده است، همین امر در بحران ها باعث منتج شدن به یکی از نتیجه های ملموس و اولیه آن یعنی همان چند قطبی سازی اجتماعی است که برای یک جامعه که حفظ وحدت اولویت اصلی^۲ آن است سم بسیار مهلکی محسوب می شود. این امر زمانی می تواند بسیار خطرناک تر باشد که دشمنان سیاسی در قالب رسانه های اجتماعی و جمعی مترصد تهییج افکار عمومی^۳ به خصوص جوانان علیه امنیت داخلی یک کشور شوند.

اگر حاکمیت سیاسی از چنین بحران هایی شناخت صحیح نداشته باشد، و درست مدیریت نشود، چنین بحران هایی می تواند حتی بقای آن حاکمیت سیاسی^۴ را در بلند مدت با خطر جدی مواجهه کند. یکی از خرد ترین نتایج چنین وضعیتی چند قطبی سازی اجتماعی^۵ است، که دقیقاً وحدت ملی و سیاسی^۶ یک کشور را هدف قرار خواهد داد. سؤالی که اینجا با رویکردی توصیفی و تحلیلی در پی یافتن پاسخی برای آن هستیم این سؤال است که: علی الاصول شناخت تئوریک بحران های اجتماعی^۷ که منجر به جرائم علیه امنیت عمومی می شود چگونه قابل مطالعه بوده و درعین حال چطور می تواند مدیریت شود؟ به نظر می رسد سازه انگاری با تأکید بر مفروضات اختلاف هویتی^۸ که موجب شکاف نسلی شده است ظرفیت تئوریک توصیف چنین وضعیتی را دارد و اینکه در قالب رویکردهای جرم شناسی رشد مدار و امنیتی به صورت توأمان حداقل بتوان از سطح بحران ها در آینده کاست.

انجام پژوهش در این حوزه، ضروری است؛ زیرا بررسی و شناخت بحران های اجتماعی که منجر به جرائم علیه امنیت عمومی می شود، اهمیت بسیاری دارد. با انجام پژوهش در زمینه شناخت شناسی

1. Disruption of Public Exchange
2. Maintaining Unity is The Main Priority
3. Agitation of Public Opinion
4. Political Sovereignty
5. Social Polarization
6. National and Political Unity
7. Theoretical Understanding of Social Crises
8. Identity Difference

سازه‌انگاران و مدل بحران‌های اجتماعی، می‌توان به تحلیل و فهم عمیق‌تر این بحران‌ها و عوامل مؤثر در آنها پرداخت.

همچنین، با تمرکز بر بحران شکاف نسلی و چند قطبی‌سازی، می‌توان نقش آنها را در تضعیف وحدت ملی و سیاسی، بهتر درک کرد.

با انجام پژوهش در این حوزه، می‌توان به نتایج و یافته‌هایی دست یافت که برای دولت‌ها و سازمان‌های مربوطه قابل استفاده باشد. این نتایج می‌توانند به آنها در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه علیه بحران‌های اجتماعی و جرائم سازمان یافته کمک کنند.

همچنین، با استفاده از نتایج این پژوهش‌ها می‌توان بهبودهایی در مدیریت و امنیت اجتماعی دست یافت و به کاهش تأثیرات منفی بحران‌های اجتماعی کمک کرد. در کل، ضرورت انجام پژوهش در این حوزه از آنجا نشأت می‌گیرد که امنیت و وحدت اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردارند و نیازمند رویکردها و راهکارهای نوآورانه برای مدیریت و پیشگیری از بحران‌های اجتماعی هستند.

۱. رهیافت نظری

سازه‌انگاری یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. این نظریه بر این عقیده است که جنبه‌های مهم روابط بین‌الملل در نتیجه سرشت انسان یا دیگر ویژگی‌های اساسی سیاست جهانی نیست، بلکه آنها به‌طور تاریخی و اجتماعی ساخته شده است (Jackson and others, 2002).

سازه‌گرایی نظریه‌ای است که بر این باور است که افراد یا فراگیران، دانش و درک را با ادراک منفعلانه آن در فرآیند مستقیم انتقال دانش به دست نمی‌آورند، بلکه درک و دانش جدید را از طریق تجربه و گفتمان اجتماعی می‌سازند و اطلاعات جدید را با آنچه قبلاً دارند، یکپارچه می‌کنند (Gürol, 2006, 175). با مواضع مختلف فلسفی، به ویژه در معرفت‌شناسی و نیز هستی‌شناسی، سیاست و اخلاق مرتبط است (Matthews, 1998)؛ البته، این معرفت‌شناسی تعریف خاص خود را دارد، در این خصوص می‌توان گفت: معرفت‌شناسی هم بر ضمانت شناخت ذهنی یک دانشمند واحد و هم بر دانش متعارف تمرکز دارد؛ از این رو، در ساخت‌گرایی، تشخیص داده می‌شود که یادگیرنده، دانش و تجربیات قبلی دارد که توسط محیط اجتماعی و فرهنگی او تعیین می‌شود (Rosemary and others, 2009, 33-37).

مفهوم سازه‌انگاری بر تعدادی از رشته‌ها از جمله: روانشناسی، جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش و ... تأثیر گذاشته است.^۱ از این رو، می‌توان ادعا کرد این نظریه تنها به عنوان یک فرا تئوری تک بعدی نیست، بلکه قابلیت ترسیم در چند رشته علمی را دارد؛ هرچند به جز این نظریه، تئوری‌های دیگری نیز

۱. جهت مطالعه تکمیلی در این خصوص توصیه می‌شود به منبع ذیل رجوع شود:

- Eddy, Matthew Daniel. (2004). "Fallible or Inerrant? A Belated review of the Constructivist Bible". British Journal for the History of Science. 37: 93-8. doi:10.1017/s0007087403005338. S2CID 141028650.

بدین زمینه اجتماعی پرداخته‌اند، همانند: دیدگاه اجتماعی، فرهنگی، تاریخی لوویگوتسکی و دیدگاه‌های شناختی موقعیت یافته میخائیل باختین، ژان لائو و اتین ونگر، براون، کالینز و دوگوید، نیومن، گریفین و کول، و باربارا روگف که از مهمترین این نظریات می‌باشند.^۱

سازه‌انگاری از جمله نظریات معناگرا است که با نگرشی انتقادی معتقد است: نگرش‌های عقل‌گرایانه به دلیل کم توجهی به فرهنگ و عناصر هویتی، در تحلیل مسائل دچار نقص می‌باشند. پس چیزی که می‌تواند مبنای تئوریک مرتبط با این بحث قرار گیرد، دو مقوله: بحران شکاف نسلی و چند قطبی سازی اجتماعی در یک جامعه است؛ بدین کیفیت که در زمان معاصر که دوره بلوغ فکری و اجتماعی در نتیجه رشد رسانه‌ها و دهکده جهانی است، شکاف نسل‌ها واقعیتی است که حاکمیت‌ها باید با آینده‌نگری لازم و کافی آن را به یک فرصت فرهنگی هویتی برای ساختن آینده‌ای بهتر رهنمون سازند و به اصطلاح ریل‌گذاری کنند، ولی اگر در یک دولت، ملت و اندیشه سیاسی آینده‌نگر، برای این مقوله فرهنگی برنامه مشخصی نداشته باشند، در آینده نه چندان دور به یک بحران و در نتیجه، چند قطبی سازی در جامعه منجر خواهد شد که این وضعیت یک خطر برای امنیت عمومی و یکپارچگی هر نظام سیاسی است؛ چرا که بروز اختلاف‌ها در اینجا روش و شکلی نیست که قابل مدیریت باشد، بلکه یک حفره عمیق هویتی به وجود آمده است و به مرور زمان این فاصله هویتی با حاکمیت سیاسی ارزش‌گرا علی‌الخصوص نمایان‌تر می‌شود.

از سوی دیگر، چند قطبی‌سازی به افزایش پیچیدگی و تنوع ساختارها و روابط قدرت در جهان اشاره دارد (Gürcan, 2019).

هر چند برخی از اندیشمندان در خصوص ماهیت توزیعی این نظریه به نحوی تردید دارند و تصریح دارند: به هر حال اگر سودمندی سازه‌انگاری به عنوان یک نظریه توضیحی در هاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد، ولی آن هنوز به عنوان یک چارچوب نظری مفید می‌تواند مورد استفاده صاحب‌نظران قرار گیرد (قوام، ۱۳۸۴، ۹)؛ ولی با گذر از چنین تردیدی به نظر می‌رسد هنوز این نظریه قابلیت کاملی جهت ترسیم حداقل تئوریک برخی از مسائل در سیاست را دارا است.

۱. به منابع ذیل رجوع شود:

-See: Newman, Denis; Griffin, Peg; Cole, Michael. (1989). *The Construction Zone: Working for Cognitive Change in School*. Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-38942-6
 - See: Rogoff, Barbara. (1990). *Apprenticeship in thinking: cognitive development in social context*. Oxford University Press.
 - See: Brown, J.S.; Collins, A.; Duguid, P. (1989). "Situated cognition and the culture of learning". *Educational Researcher*. 18 (1): 32-42. doi:10.3102/0013189x018001032. hdl:2142/17979. S2CID 9824073.

۲. بحران‌های اجتماعی و مدل شناسی آن

اصطلاح بحران که از یک واژه طبی یونانی گرفته شده، به شرایط، اوضاع و یا دوران خطرناک و فاقد اطمینانی اطلاق می‌شود که با آن تعادل ناپدید می‌شود و از ظهور اجتناب ناپذیر شرایط و اوضاعی جدید خبر می‌دهد. بحران اجتماعی عبارت است از به مخاطره افتادن و به هم خوردن تعادل عمومی و زندگی اجتماعی، بر اثر اختلالات یا مقتضیات پدید آمده در جزء یا اجزایی از جامعه که یا بر اثر عدم سازگاری سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و یا به خاطر ناتوانی مؤسسات اجتماعی در تحقق اهداف ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی به وجود می‌آید.

بحران عبارت است از یک وضعیت غیرمتعادل و ناپایدار که بر اثر وقوع حادثه‌ای خاص در جامعه یا سیستم ایجاد شده است. بحران می‌تواند به وضعیت بهتر یا بدتر منجر شود. یک بحران در دل خود، نوعی قابلیت را دارد که آن را به مرحله بالاتر یعنی: مرحله فاجعه وارد کند.^۱ در این خصوص باید گفت: فاجعه عبارت است از وقوع یک حادثه محتمل که در جامعه‌ای با احتمال آسیب‌پذیری بالا رخ داده است و وقوع آن باعث ایجاد صدمه جدی به اکثریت قریب به اتفاق سیستم‌ها و واحدهای اجتماعی گردیده و عملکرد آن‌ها را دچار وقفه کرده است. در بدترین حالت منجر به سقوط دولت‌ها می‌شود، که در محافل علمی تحت عنوان دولت شکست خورده از آن یاد می‌شود. «گفتمان شکست دولت» شرایط بحران را با منشأ محلی، محصول فرهنگ یا رهبری ضعیف توصیف می‌کند (Gruffydd Jones, 2008, 180).

بحران اجتماعی سطوحی دارد که شامل: آشفتگی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و انقلاب اجتماعی می‌شود. تغییر در ساختارها باعث گسسته شدن رفتار و روابط متقابل می‌گردد و در نتیجه فرآیند جامعه‌پذیری مختل و غیر مؤثر شده و در نهایت بحران اجتماعی ظاهر می‌شود. همچنین، در صورتی که سازگاری سازمان‌های جامعه کاهش یابد جامعه دستخوش بحران و آشفتگی اجتماعی می‌شود. اگر سازگاری سازمان‌های جامعه به شدت رو به زوال رود، در این صورت نظم اجتماعی جای خود را به بی‌نظمی می‌دهد و بی‌سازمانی رخ می‌دهد. اگر بحران در سطح مؤسسات به انهدام ساختار نهادها منجر شود، انقلاب‌های اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حتی امروزه با گسترش فناوری‌های اینترنتی، شتاب بحران‌زایی روند رو به فزونی به خود می‌گیرد؛ به طوری که اشتراک‌گذاری بحران‌ها در تمامی سطوح به امری فراگیر تبدیل شده است (Danqing Cai and others, 2018, 356).

۱. بحث طبقه‌بندی و شناخت تخصصی بحران‌هاست، خارج از موضوع حاضر است.

بحران اجتماعی گاهی اوقات فقط جزئی از جامعه را فرا می‌گیرد و با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط می‌شود (مانند نابسامانی ناشی از نا عدالتی، تبعیض علیه زنان و...) که در این صورت بحران اجتماعی، جزئی خوانده می‌شود؛ در این صورت، کنترل و هدایت آن توسط نیروی اجتماعی غالباً، آسان خواهد بود؛ اما گاهی اوقات بحران اجتماعی عمومی است که در این صورت، بر مجموع ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه، به جهت تأخیر و عدم تطابق آنان با انتظارات موجود در باب پیشروی یک جامعه جدید و مترقی، اثر می‌گذارد؛ در نتیجه، چنان نابسامانی عمومی و عدم تعادلی فراگیر، در جامعه بروز می‌کند، که گسست نظم موجود و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی بنیادی (انقلابی)، را قابل پیش‌بینی می‌سازد.

بحران اجتماعی عمومی ناشی از آن است که جامعه توانایی سازمان‌یابی و حفظ نظم اجتماعی را نداشته و از نیروی درونی جهت حل مسائل مرتبط با تطور و توسعه‌اش برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر، خود ساختار، بحران زده است و مسائل اجتماعی که مطرح می‌شوند، چنان گسترده‌اند که نظم اجتماعی موجود را به مخاطره می‌افکنند.

همانطوری که قبلاً نیز عرض شد، تشکیل شهرهای مجازی در عصر فناوری به چند قطبی سازی در بحران کمک می‌کند (Graham and others, 1997, 19)؛ حال اگر یک نیروی اجتماعی غالب و موافق دگرگونی‌ها وجود داشته باشد و از طرفی اصلاحات اجتماعی ضروری و لازم به موقع صورت بگیرند، چنین بحران‌های اجتماعی گسترده و عمومی را نیز می‌توان کنترل و هدایت نمود.

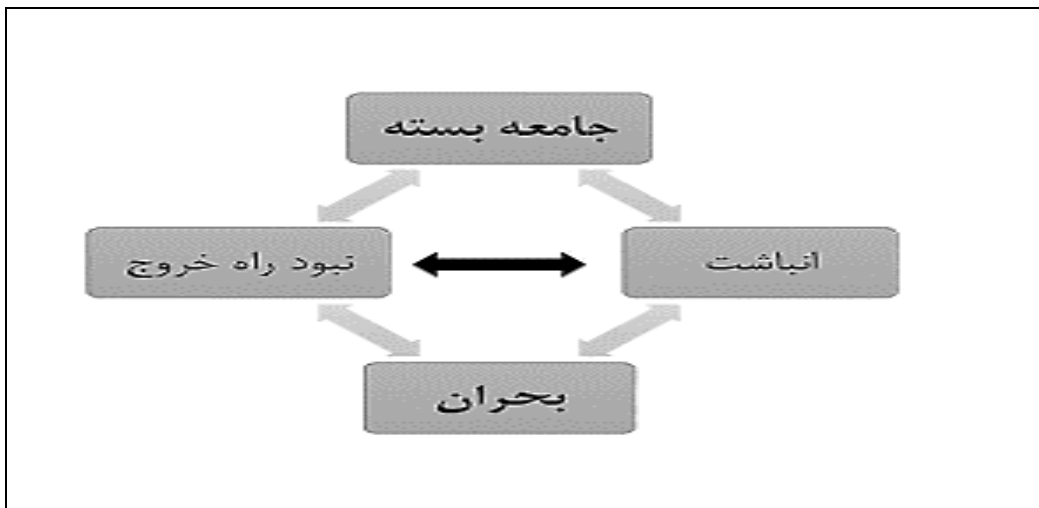
بحران‌های اقتصادی و سیاسی انواعی از بحران‌های اجتماعی هستند که بر اساس اهمیت و آثاری که بر مجموع جامعه می‌گذارند به عمومی و جزئی تقسیم شده‌اند.

بحران یکی از پیامدهای اصلی نظام‌های سیاسی است که در هر شکل نظام سیاسی قابلیت بروز و ظهور دارد، ولی برخی از نظام‌های سیاسی به دلیل شرایط خاص حاکم بر بروز و ظهور آن بحران‌ها، حداقل در رسانه‌ها بازتاب دارد.

اگر خواسته شود که بر اساس مدلی، بحران ترسیم شود، می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:^۲

۱. یکی از مسائلی که معمولاً برای مبارزه با نظام‌های سیاسی، علی‌الخصوص نظام سیاسی ایدئولوژیک در استفاده ابزاری از حقوق بشر می‌شود، بحث تبعیض علیه زنان است؛ در حالی که این امر، فراگیر است؛ حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه نیز وجود دارد. در کشورهای دیگر نیز امری روتین است؛ برای مثال، در کشورهایی همانند: کره جنوبی، تحقیقات نشان می‌دهد بحران اجتماعی و مالی باعث تبعیض در مسأله زنان شده است (Eungi Kim, 2007, 201).

۲. به نظر نگارنده چنین مدلی حکمفرما است.



۳. چیستی شکاف نسلی و بحران‌های آن

شکاف نسلی یا شکاف نسل‌ها، اختلاف نظر بین یک نسل و نسل دیگر در مورد باورها، سیاست یا ارزش‌ها است. امروزه، شکاف نسل اغلب به شکاف درک شده بین افراد، جوانان و والدین یا پدربزرگ و مادربزرگشان اشاره دارد.

اولین جامعه‌شناسان، مانند: کارل مانهایم، به تفاوت‌های میان نسل‌ها در نحوه انتقال جوانان به بزرگسالی اشاره کردند. بارها در مواجهه با جوانان، از این شکایت دارند که والدین و یا اطرافیان شان آن‌ها را درک نمی‌کنند و گاه با اعتراضاتی از سوی والدین یا جامعه روبه‌رو هستیم که می‌گویند فرزندانشان به حرف‌ها و گفته‌های آن‌ها عمل نمی‌کنند. به طور کلی این شکایت‌ها و اعتراضات دلالت بر مفهومی با عنوان شکاف نسلی می‌کنند.

شکاف نسلی زمانی صورت می‌گیرد که دو نسل هنجارها، ارزش‌ها و باورهای یکدیگر را درک نکرده و به نوعی دچار تعارض می‌شوند؛ هرچند محققان معتقد هستند که درجه‌ای از شکاف نسلی در هر جامعه‌ای امری طبیعی است و به فراخور زمان و در شرایطی، شکاف نسلی می‌تواند اتفاق بیفتد، اما باید دانست که شدت یافتن آن نیز با پیامدها و خطراتی همراه است که اگر به موقع تشخیص داده نشود ممکن است مسائل و مشکلات بسیاری برای جامعه به بار آورد.

به طور کلی صاحب نظران سه موضع متفاوت نسبت به این مسئله دارند. با توجه به مقولاتی چون جهانی شدن، گسترش شهرنشینی و ظهور تکنولوژی‌های جدید اطلاعات و ارتباطات می‌توان ادعان

داشت که نسل جدید با دنیای جدیدی روبرو است که ارزش‌ها، هنجارها، و فرهنگ او را دچار تغییر و تحول می‌نماید.

هدف این مقاله مطالعه مفهوم و گونه شناسی نسل‌ها و نقش فناوری‌های ارتباطی نوین همچون اینترنت در فاصله نسلی است و اینکه چگونه می‌تواند به تشدید فاصله نسلی و یا تقویت ارتباط نسل‌ها بیانجامد.. فاصله نسلی چنانچه مورد غفلت قرار بگیرد به شکل‌گیری مسأله اجتماعی می‌انجامد که شکاف نسلی و انقطاع و پیامدهای آن را موجب می‌شود (مطلق و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۴۵).

بحث شکاف نسلی یک مسأله عام جهانی هم هست؛ یعنی: نمی‌توان گفت بومی و مختص ایران است. هر جامعه‌ای که در مسیر نوسازی و تحولات اقتصادی قرار گیرد و شدت این تحولات زیاد باشد، خواه ناخواه با مسأله تفاوت نسلی و در شکل حادث‌تر آن با شکاف نسلی و تعارض نسل‌ها مواجه می‌شود. مسأله این است که بتوان آن را تشخیص داده و راهکارهای متناسب با آن را در نظر گرفت؛ کما اینکه این امر از طریق سیاست‌های اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی قابل جرح و تعدیل است؛ البته، وقتی این مسأله اجتماعی در معرض شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که معمولاً نقش تشدید کننده این شکاف را در برخی از جوامع، علی‌الخصوص سنتی و ایدئولوژیک را بازی می‌کند و جامعه را مستعد بروز و ظهور انواع بحران‌های بالقوه و بالفعل خواهد کرد؛^۱ چراکه گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی از طریق کاهش نقش نهادهای خانواده و مدرسه، موجب تغییر در نظام ارزشی جامعه و ایجاد شکاف نسلی شده است که این خود انتقال ارزش‌ها، آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر را با اختلال رو به رو می‌کند (فراشبندی، خوئینی، ۱۳۹۶).^۲

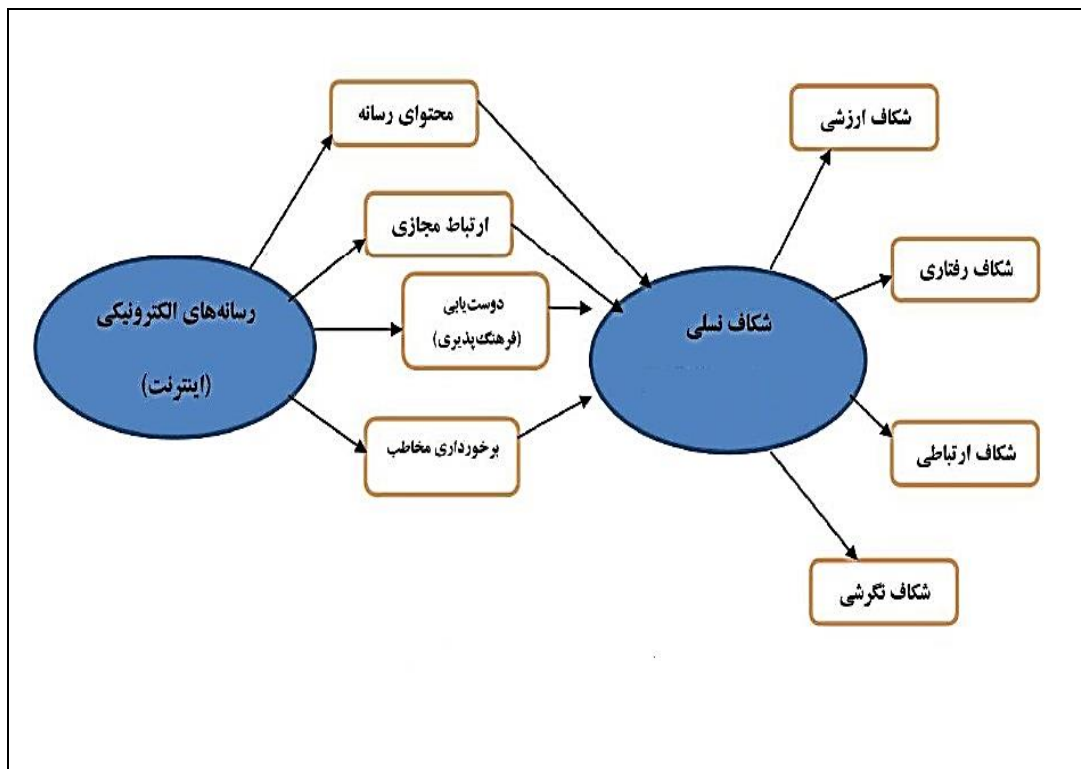
گرایش نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جدا افتادگی آن‌ها از نسل‌های پیشین به مرور افزایش یافته است و در صورت نبود مدیریت صحیح فرآیندهای فرهنگ پذیری نوجوانان و باز تولید فرهنگی جوانان از سوی دولت و رسانه‌ها، تعارضات نسلی و در نهایت، گسست نسلی آینده مسیر توسعه جامعه را به مخاطره خواهد انداخت (دانش و دیگران، ۱۳۹۳، ۱).

۱. در نسل‌های بعدی عواملی مانند دسترسی بیشتر به رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی و سرعت گرفتن فرآیند جهانی شدن باعث شده‌اند که سبک زندگی و جهان بینی متفاوتی شکل بگیرد. این مساله به شکاف نسلی در جامعه ما دامن زده است. در بسیاری از موارد به رغم اینکه سواد و آگاهی لازم وجود دارد، اما احساس می‌کنند، در جامعه و یک خانواده نه آنها فرزندان‌شان را می‌فهمند و نه فرزندانشان آنها را. این مساله نشان می‌دهد که تغییراتی مهم در باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و سبک زندگی روی داده‌اند. نسل‌های قدیم نباید توقع داشته باشند که به هر صورتی که شده است، نسل‌های جدید را تابع خود کنند. نهادهایی مانند رسانه آموزش و پرورش و خانواده که با جوانان و نوجوانان در ارتباط هستند باید کاری کنند که این شکاف نسلی به بی‌احترامی و گفتگوی توأم با خشونت منجر نشود. نگاه کنید به مصاحبه هادی خانیکی با موضوع: شکاف بین نسلی در نقطه بحران؛ دسترسی در: <https://irma.ir/xjtkQT>

۲. خوئینی، مینا؛ فراشبندی، رضا (۱۳۹۶). شبکه‌های اجتماعی و شکاف بین نسلی، اولین دوره همایش ملی آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زمینه‌ها، چالش‌ها، و راهکارها)؛ دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/897514/fa>

به نظر می‌رسد نقش شبکه‌های اجتماعی و تعمیق بخشی به شکاف نسلی را چنین می‌توان ترسیم کرد:^۱

گروه‌های سنی مختلف ممکن است نسبت به مسائل مختلف نگرش‌ها، رفتارهای سرمایه‌گذاری، فرآیندهای تصمیم‌گیری و توانایی‌های پردازش اطلاعات متفاوتی داشته باشند که می‌تواند توانایی یک سازمان در مقابله با بحران‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (Zhou and others, 2017).



۴. دو یا چند قطبی‌سازی اجتماعی

یکی از اصطلاحاتی که طی سال‌های اخیر بسیار خواننده و شنیده شده است، دو قطبی شدن جامعه^۲ است. این وضعیت را گاهی هم با اصطلاح شکاف سیاسی^۳ توصیف می‌کنند. دو قطبی‌سازی، یعنی: افراد جامعه، در حد دشمنی و در یک حالت شکننده رو در روی هم قرار گیرند؛ به شکلی که فقط صدای دو قطب در کشور شنیده شود.

شکاف و گسل به طور طبیعی در همه جوامع وجود دارد؛ بستگی دارد که حاکمیت آن را چگونه مدیریت نماید؛ البته، نوع فعال شدن گسل‌ها هم مهم است. نباید از نظر دور داشت که دو قطبی در هر

۱. به نظر نگارنده، نزدیکترین منبعی که بتواند این شکاف را توجیح کند چنین مدلی است.

۲. Polarization.

۳. Political Divide.

حوزه‌ای برای امنیت و آرامش کشور خطرناک است و کلیه کارشناسان و صاحب نظران در عرصه مختلف تأکید دارند که بایستی از رفتارهای تند و افراطی که باعث بروز و ظهور چنین شرایطی می‌شود، فاصله گرفت.

نشانه‌های این دو قطبی شدن را نه فقط در زمان انتخابات و در دل رویدادهای سیاسی، بلکه در تعاملات روزمره هم می‌توان دید؛ برای مثال، گاهی در بخش زیرنویس‌های یک پست اینستاگرامی، چنان جنجال و بحث و دعوایی مشاهده می‌شود که در یک مناظره‌ی رسمی سیاسی هم، این سطح از شدت و حدت به چشم نمی‌خورد.

بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که شکل‌گیری شکاف‌های سیاسی و تقویت دو قطبی‌ها، در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود. انتخاباتی که به ریاست جمهوری ترامپ منتهی شد، حاصل یکی از شدیدترین دو قطبی‌های سیاسی در جهان معاصر میان مردم آمریکا بود. این دو قطبی در دوران ترامپ شدیدتر هم شد و انتخاب بایدن هم در بستری از همین جنس انجام شد.^۱

فضای جامعه، هنگامی که شکل دو قطبی به خود می‌گیرد، اولین نتیجه آن، عدم پذیرش نظر میانه است؛ یعنی: یا با ما یا غیر ما، یا برانداز یا با حکومت، و دیگر نظر میانه‌ای وجود ندارد. آنچنان فضا سیاه و سفید می‌گردد که بعضاً طرد نظریه مخالف از طرف دسته‌ای، بارها شدیدتر از آنچه می‌شود که همان گروه، از آن، به عنوان سرکوب از سمت دسته مقابل نام می‌برد. ابزار مخالفت هر دو گروه رفته رفته به هم شبیه شده و رادیکال‌تر می‌گردد و به سرکوب تبدیل می‌شود.^۲

فضای دو قطبی یا چند قطبی اجتماعی در جامعه می‌تواند یک حربه برای دشمنان امنیت ملی و بین‌المللی هر کشوری در نظام بین‌الملل تلقی گردد؛ چراکه در این وضعیت، اگر آن به بدن انسان تشبیه گردد، این بدن، نوعاً، دارای التهاب شدیدی است که روی سطح دفاعی و ایمنی آن نیز تأثیر مستقیم گذاشته است؛ در نتیجه، هر نوع ویروسی می‌تواند موجب بروز و تظاهرات بیماری در بدن شود، التهاب در نظام سیاسی و اجتماعی چنین وضعیتی را در حوزه امنیت شکل می‌دهد.

۵. رویکرد جرم‌شناسی پیشگیری حوزه جرائم اجتماعی تبعی امنیتی

یکی از مسائل بسیار مهمی که در ادبیات حقوق کیفری، سیاست کیفری و جنایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، پیشگیری است. عبارت: «پیشگیری بهتر از درمان و جبران است»، با وجود سادگی، در صورت رعایت معنا، تأثیر عمیقی در بهبود زندگی اجتماعی انسان خواهد داشت؛ زیرا انسان، ذاتاً، یک

۱. به عقیده نگارنده تحولاتی همانند انتخابات آمریکا و جرائمی که علیه امنیت داخلی و حتی خدشه وارد کردن به چهره دموکراتیک آن کشور در نظام بین‌المللی آن کشور در حمله به کنگره صورت پذیرفت، از همین منشأ سرچشمه می‌گیرد.

2. <https://icjournal.ca/post/polarized-iranian-society-ehsan-hamidi-opinion-farsi/>

موجود پیشگیر است و چنانچه در یک روز، مرتکب یک یا چند عمل ناهنجار و غیر قانونی شود، در موارد متعدد از بروز حوادث یا ارتکاب اعمال ناقض قوانین پیشگیری می‌کند.

حقوق کیفری نیز متأثر از ایدئولوژی امنیت‌گرا، از حقوق کیفری عدالت محور، در پاره‌ای از موارد، به حقوق کیفری امنیت محور تغییر مسیر داده است و با فرض دشمن انگاشتن بزهکاران، به تشکیل نوعی حقوق کیفری دشمن مدار همت گمارده و سیاست جنایی کشورها را در بعد پیشگیری کیفری با مجازات‌های سرکوبگر و تهاجمی، رو به رو نموده است.

حقوق کیفری در این نگاه، به مانند ابزاری شده است در دست دولت‌ها برای تأمین حداکثری امنیت و این تحولات در جرم‌شناسی باعث گردیده پیشگیری اجتماعی از جرم نیز جای خود را به پیشگیری امنیت مدار دهد که همانا پیشگیری وضعی است. به نظر می‌رسد جرم‌شناسی امنیتی، با نگاه ابزار گونه به انسان، با تدابیر شدید امنیتی، به بهانه تأمین امنیت و مبارزه با بزهکاری، بیش از نائل شدن به موفقیت با معضلات و چالش‌های فراوان حقوق بشری رو به رو گردیده است (شادمان فر و دیگران، ۱۴۰۰، ۳۲۱).

یکی از رویکردهای جرم‌شناسی پیشگیری که در این موارد می‌توان مورد توجه قرار داد، اندیشه کردن به مشکلات با رویکردهای آینده نگر است که با مطالعه علمی و به اصطلاح آینده پژوهی اجتماعی با تأکید بر رویکردهای امنیتی، به راحتی می‌توان برخی از مسائل را پیش‌بینی، و در زمان خاص حداقل آسیب‌های آن را کاست، ولی متأسفانه، در برخی از ساختارهای سیاسی معاصر، چنین دوراندیشی مشاهده نمی‌شود و اینکه صرفاً، رویکردهای امنیتی و کیفر محور در برخورد در این بحران‌ها، مطمئناً، پاسخگو نخواهد بود.

پیشگیری از وقوع جرم، نه عموماً به هدف اصلاح و بازپروری مجرمان و تبه‌کاران، بلکه بیشتر به خاطر حفظ نظم و امنیت در جهت حفظ دست‌آوردهای آن، صورت می‌گیرد و در عمل، نهادهای پلیسی و نظامی متولی امر پیشگیری هستند؛ حتی پیش بینی تمهیدات پیشگیری از چنین جرائمی در قالب سرمایه‌گذاری‌های مختلف اجتماعی، به مراتب هزینه کمتری از بروز آن دارد؛ پیشگیری، اقتصادی‌ترین راه حل برای جرم است و فعالیت‌های پیشگیرانه می‌تواند جرائم ارتكابی توسط فرصت طلبان را از بین ببرد.

نظریه‌های رایج که انگیزه، علل، پیشگیری و کشف جرم را در محیط‌های مختلف، برای انواع جرائم، مرور می‌کنند (Block, 1981, 456)، به نوعی، همین مفروض را تأیید می‌کند که می‌توان در برخی از بحران‌های اجتماعی قابل پیش بینی و محتمل، با استفاده از رویکردها و ظرفیت‌های جرم‌شناسی پیشگیری امنیت مدار، خیلی از مشکلات بالقوه را به نحوه مطلوب‌تری مدیریت کرد.

۶. تفکیک جرائم امنیتی باریشه اجتماعی و جرائم سازمان یافته

قبل از هر چیز باید به تفکیک این دو مفهوم پرداخت؛ بدو، اعتراض را با ریشه اجتماعی چنین می‌توان ترسیم کرد: اعتراض، مخالفت نسبت به یک ایده و یا عمل معمولاً سیاسی است.

در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی اندیشمندان نظریه‌ها و تحقیقات تجربی گوناگونی را در مورد جنبش‌های اجتماعی ارائه کرده‌اند؛ برای مثال: برخی تحقیقات در علوم سیاسی، رابطه بین جنبش‌های مردمی و تشکیل احزاب سیاسی جدید را برجسته می‌کنند (Jeff, 2008, 45-65). همچنین، درباره کارکرد جنبش‌های اجتماعی در رابطه با دستور کار و تأثیرگذاری بر سیاست بحث می‌کنند (Cedric, 2013).

جامعه‌شناسان بین چندین نوع جنبش اجتماعی که به بررسی مواردی مانند: دامنه، نوع تغییر، روش کار، محدوده و چارچوب زمانی می‌پردازند، تمایز قائل می‌شوند؛ ولی در اینجا آنچه مد نظر ما است، صرفاً، اعتراضات مدنی غیر سیستماتیک و نوعاً احساسی می‌باشد که در نتیجه متغیرهای متعددی ایجاد می‌شود.

اعتراضات می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ از بیانیه‌های فردی گرفته تا تظاهرات گسترده. معترضین ممکن است اعتراض را روشی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی یا سیاست‌های دولت ترتیب دهند.

به ادبیات دیگر، یک جنبش اجتماعی، تلاشی است که توسط گروه بزرگی از مردم برای دستیابی به یک هدف خاص، معمولاً یک هدف اجتماعی یا سیاسی، سازمان دهی شده است (Gordon and others, 2009, 40). این ممکن است برای انجام یک تغییر اجتماعی، یا مقاومت یا خنثی کردن آن باشد. این یک نوع اقدام گروهی است و ممکن است افراد، سازمان‌ها یا هر دو را شامل شود (Dieter, 2009).

جنبش‌های اجتماعی به ساختارها و استراتژی‌های سازمانی توصیف شده‌اند که ممکن است جمعیت‌های تحت ستم را برای مقابله با چالش‌های مؤثر و مقاومت در برابر نخبگان قدرتمندتر و برتر، توانمند کند. آن‌ها نشان دهنده یک روش تغییر اجتماعی از پایین در درون ملت‌ها هستند (Shannon, 2011, 150).

جنبش‌های مدرن اغلب از فناوری و اینترنت برای بسیج مردم در سطح جهانی استفاده می‌کنند. انطباق با روندهای ارتباطی، یک موضوع مشترک در میان جنبش‌های موفق است.

تحقیقات، در حال بررسی چگونگی ارتباط سازمان‌های مدافع با جنبش‌های اجتماعی در ایالات متحده است (Obar, 2012, 25) و کانادا از رسانه‌های اجتماعی برای تسهیل مشارکت مدنی و اقدام جمعی استفاده می‌کند.^۱

۱. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص به منابع ذیل رجوع کنید:

-Obar, Jonathan. (2013). "Canadian Advocacy 2.0: A Study of Social Media Use by Social Movement Groups and Activists in Canada". SSRN 2254742.

پس، می‌توان گفت نوعی اعتراض به یک رویکرد خاص سیاسی است که از طریق تسهیل شبکه‌های اجتماعی موجب اقدامات ضد امنیتی در جامعه می‌شود که در این نوع اعتراضات مردمی معمولاً صرف خواست‌های اجتماعی است که به صورت سیاسی بروز کرده است و اهداف مسلحانه و امثالهم کمتر در این تجمعات مد نظر اکثریت است.

در مفهوم مقابل آن، جرائم سازمان یافته است که از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای فعالیت‌های مجرمانه مستمری است که با هماهنگی صورت می‌گیرد. ویژگی‌های جرائم سازمان یافته شامل سازمان بزهکار، فعالیت‌های مجرمانه سازمان یافته، ابزارهای حمایتی و انحصارطلبی می‌شود. برخی از عوامل اساسی این رویکرد مجرمانه عبارت‌اند از: گروهی بودن ارتکاب جرم، عدم توازن میان امکانات بازدارنده و امکانات مجرمان سازمان یافته و گسترش موضوعات مجرمانه است.

از جمله مهم‌ترین خطرهایی که جامعه جهانی را در آستانه هزاره سوم به طور جدی تهدید می‌کند، جرم سازمان یافته است. این عنوان در علم جرم‌شناسی شامل فعالیت‌های مجرمانه شدید توسط گروه‌های مجرمانه‌ای می‌شود که با داشتن تشکیلات منسجم و پیچیده و با ویژگی‌های خاص برای کسب منافع مالی یا قدرت مرتکب جرم می‌شوند؛ هرچند در علم حقوق پیچیدگی و ویژگی‌های خاص گروه چندان مورد نظر قانونگذار نیست.

جرم سازمان یافته، اگرچه از سالیان دور وجود داشته است، لکن جهانی شدن اقتصاد و وابستگی اقتصادی کشورهای دنیا به همدیگر، توسعه صنایع مربوط به ارتباطات و حمل و نقل بین‌المللی و تبدیل شدن دنیا به دهکده‌ای جهانی، موجب گردیده است تا جرم سازمان یافته جنبه‌ای فراملی نیز به خود گیرد و قلمرو خود را بر عرصه بین‌المللی بگستراند (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۷۹، ۵۳).

وقتی چنین اعتراضی بر اساس یک گروه منسجم و متشکل و معمولاً مسلح بر علیه امنیت ملی و بین‌المللی شکل بگیرد می‌توان آن را به نوعی در قالب جرائم سازمان یافته تلقی کرد، اینجاست که می‌طلبد حاکمیت‌های سیاسی بین چنین اقداماتی در بحران‌ها به نوعی تفکیک قائل شوند؛ چرا که همانند جرم سیاسی، معترض اجتماعی به نوع مصلح و خواستار اصلاح در وضع موجود یا اعتراض به یک وضع خاص است و با مجرمین حرفه‌ای در جرائم سازمان یافته و گروه‌های تروریستی باید به تفکیک برخورد شود.

۷. رویکردهای سیاسی رسانه‌ای در جرائم علیه امنیت

در جهان امروز، وقتی صحبت از پیشگیری در هر حوزه‌ای، به میان می‌آید، اولین چیزی که ذهن‌ها را درگیر می‌کند، رسانه است. رسانه‌ها منابع عمده‌ی آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می‌روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری از پایه‌های آنچنان بلند برخوردار است که بدون حضور آن، دسترسی به جامعه‌ای با فرهنگ پویا، دست نیافتنی و محال است. رسانه‌ها سپر اطلاعاتی هر جامعه به شمار می‌روند و کارکردهای مختلف اعم از آشکار و پنهان در حوزه‌های آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، تفریح و سرگرمی دارند.

به غیر از موارد یادشده رسانه‌ها در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به‌گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است؛ زیرا دانش عمومی از جرم و جنایت و عدالت تا حد زیادی از رسانه‌ها به دست می‌آید.

با رواج دیدگاه رسانه سالاری که از قدرت بالای رسانه‌ها در القاء و تأثیرگذاری بر روی مخاطبان به عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیام‌های رسانه‌های عمومی نقش انفعالی و تأثیر پذیر قائل هستند.

هدف از پیشگیری ممکن است کاهش جرم یا محدود کردن آن یا جلوگیری از رشد آن باشد؛ بر این اساس، آنچه در این مقال نگارنده بر آن تأکید دارد، به غیر از کارکرد رسانه در حوزه‌های مختلف، نقش پیشگیرانه رسانه از طریق آموزش شهروندان و حساس‌سازی گروه ویژه و عموم جامعه است (بیابانی، ۱۳۹۲، ۳۳).

رسانه‌ها، قبال جامعه، مردم و حتی حکومت مسئول هستند؛ اما این مسأله، نافی مسئولیت سایر بخش‌های مرتبط با تأمین امنیت در اجتماع نیست. اگر رسانه، یک حادثه، یا یک ناهنجاری یا یک معضل اجتماعی را برجسته کرده و به آن می‌پردازد، هدفش زیر سؤال بردن عملکرد دستگاه‌های مرتبط با تغییر در باور عمومی نسبت به مقوله امنیت نیست، بلکه رسانه مسئولیت‌های اجتماعی خود را پیگیری می‌کند (بیابانی، ۱۳۹۲، ۳۳).

رسانه‌ها، به نوعی، به طور مستقیم و خودآگاه یا غیر مستقیم و ناخودآگاه، در ترویج خشونت، جرم و جنایت و انحرافات اجتماعی دخیل هستند؛ یکی از مشکلاتی که در روند تولید برنامه‌های رسانه‌ای وجود دارد، عدم تطابق برنامه‌ها با نیاز روز جامعه است. در حقیقت، توسعه‌ی فرهنگ مبتنی بر خشونت در ساخت برنامه‌های رسانه‌ها، نه به دلیل نیاز جامعه، بلکه بیشتر به دلیل تقلید از فرهنگ رسانه‌ای جهانی و به ویژه غربی است. مطابق تحقیقی که در دانشگاه کلمبیا انجام گرفته است، طی ۲ سال پس از اختراع

تلویزیون، درگیری و جنایت تا ۶۰ درصد افزایش پیدا کرد؛ البته، رسانه این قدرت را دارد که بر عکس هم عمل کند و با درست انجام دادن رسالت‌های خود، روند جرم و جنایت در جامعه را کند سازد.^۱ می‌توان در این بخش، چنین نتیجه‌گیری کرد که امروزه نقش رسانه‌های جمعی در مدیریت افکار عمومی در دهکده جهانی تحت نفوذ دولت‌های بزرگ امری کاملاً مرسوم و پذیرفته شده است. تحقیقات علمی متعددی نیز در جهت اثبات نقش مستقیم این رسانه‌ها در شکل‌دهی خط مشی این رسانه‌ها به افکار عمومی صورت پذیرفته است که همگی متفقاً در راستای اثبات این مفروض بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، رسانه‌ها در جهت دهی افکار عمومی جهانیان نقش بسیار فعال و پررنگی را بر عهده دارند. متأسفانه، این خلط سیاسی، صورت پذیرفته است و در حوزه رسانه‌ها نیز بسیار معمولی و به امری متداول، تبدیل شده است، به طوری که امروزه مشاهده می‌شود در برخی کشورها به دلیل عدم همسویی با نظم حاکم سیاسی بر نظام بین‌الملل اعتراضات عادی مردمی نیز شکل سیاسی به خود می‌گیرد و باعث می‌شود که منجر به شورش و اغتشاشات و جرائم علیه امنیت ملی آن کشورها شود. این امر دقیقاً همان تسویه حساب‌های سیاسی دولت‌هاست که به حوزه رسانه‌ها کشیده است، مدیریت افکار عمومی کشور درگیر در چنین اعتراضی را بر عهده می‌گیرند و در پی اهداف و اغراض سیاسی خود رهنمون می‌سازند؛ پس امروزه نقش رسانه‌ها در مدیریت افکار عمومی در جهت کنترل و تشدید جرائم علیه امنیت عمومی کاملاً اثبات شده است.

در زمینه جرائم علیه امنیت، شکاف نسلی ممکن است به افزایش تعداد تخلفات در حوزه امنیت اطلاعات کودکان و نوجوانان کمک کند؛ زیرا نسل‌های جوان تر بیشتر در تماس با شبکه‌های ارتباطی و اعتماد به آنها قرار دارند (Bukalerova and others, 2021).

جرائم علیه امنیت در زمینه بحران فاصله نسلی می‌تواند به صورت متنوع، ظاهر شود؛ به ویژه در زمینه جرائم سایبری. افزایش تعداد جرائم علیه امنیت اطلاعات کودکان و نوجوانان نمونه آشکاری است که از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، از جمله اینترنت، انجام می‌شود (Harrasova and, Yagudin, 2023).

نتیجه‌گیری

سازه‌گرایی نظریه‌ای است با مواضع مختلف فلسفی، به ویژه در معرفت‌شناسی و نیز هستی‌شناسی، سیاست و اخلاق مرتبط است. دو مقوله‌ی بحران شکاف نسلی و چند قطبی‌سازی اجتماعی در یک جامعه است؛ بدین کیفیت که در زمان معاصر که دوره بلوغ فکری و اجتماعی در نتیجه رشد رسانه‌ها و دهکده جهانی است، شکاف نسل‌ها واقعیتی است که حاکمیت‌ها باید با آینده‌نگری لازم و کافی آن را

۱. جهت دسترسی نگاه کنید به: مباحثه علمی با عنوان نقش رسانه‌ها در کنترل جرم و خشونت منتشر شده در روزنامه به سال ۱۳۹۴ قابل دسترسی در:

<https://irna.ir/xjdTCf>

به یک فرصت فرهنگی هویتی برای ساختن آینده‌ای بهتر رهنمون سازند و به اصطلاح ریل گذاری کنند؛ ولی اگر در یک دولت ملت و اندیشه سیاسی آینده نگر برای این مقوله فرهنگی برنامه مشخصی نداشته باشند، در آینده نه چندان دور، به یک بحران و در نتیجه چند قطبی سازی در جامعه منجر خواهد شد که این وضعیت یک خطر برای امنیت عمومی و یکپارچگی هر نظام سیاسی است؛ چرا که بروز اختلاف‌ها در اینجا، روش و شکلی نیست که قابل مدیریت باشد؛ بلکه یک حفره عمیق هویتی به وجود آمده است و به مرور زمان این فاصله هویتی با حاکمیت سیاسی ایدئولوژیک علی‌الخصوص، نمایان تر می‌شود که در قالب گفتمان‌های متعدد قابل تجزیه و تحلیل است از جمله، گفتمان «شکست دولت».

شرایط بحران را منشأ محلی، محصول فرهنگ یا رهبری ضعیف توصیف می‌کند. بحران اجتماعی گاهی اوقات فقط جزئی از جامعه را فرا می‌گیرد و با مسائل اجتماعی خاصی مرتبط می‌شود؛ مانند: نابسامانی ناشی از نا عدالتی، تبعیض علیه زنان و ... که در این صورت، بحران اجتماعی، جزئی خوانده می‌شود.

در حالی این امر، صرفاً، یک برخورد آنتی بیوتیکی در حوزه اجتماعی از سوی حاکمیت برای کنترل اوضاع و نظم عمومی است؛ چرا که بحران اجتماعی عمومی، ناشی از آن است که جامعه توانایی سازمان یابی و حفظ نظم اجتماعی را نداشته و از نیروی درونی جهت حل مسائل مرتبط با تطور و توسعه‌اش برخوردار نیست.

این امر، زمانی تشدید می‌شود که به شبکه‌های اجتماعی به عنوان تهدید سیاسی نگریسته شود؛ چرا که نقش فناوری‌های ارتباطی نوین همچون اینترنت در فاصله نسلی نقش پررنگی است و اینکه چگونه می‌تواند به تشدید فاصله نسلی و یا تقویت ارتباط نسل‌ها بیانجامد.

فاصله نسلی چنانچه مورد غفلت قرار بگیرد، به شکل‌گیری مسأله اجتماعی می‌انجامد که شکاف نسلی و انقطاع و پیامدهای آن را موجب می‌شود و همین، موجب چند قطبی سازی در جامعه می‌شود. فضای دو قطبی یا چند قطبی اجتماعی در جامعه می‌تواند حربه‌ای برای دشمنان امنیت ملی و بین‌المللی هر کشوری در نظام بین الملل تلقی گردد؛ چرا که در این وضعیت، اگر آن، به بدن انسان تشبیه شود، این بدن، نوعاً، دارای التهاب شدیدی است که روی سطح دفاعی و ایمنی آن نیز تأثیر مستقیم گذاشته است؛ در نتیجه، هر نوع ویروسی می‌تواند موجب بروز و تظاهرات بیماری در بدن شود، التهاب در نظام سیاسی و اجتماعی چنین وضعیتی را در حوزه امنیت شکل می‌دهد.

رسانه‌ها در جهت دهی افکار عمومی جهانیان نقش بسیار فعال و پر رنگی را بر عهده دارند. متأسفانه، این خلط سیاسی، صورت پذیرفته است و در حوزه‌ی رسانه‌ها نیز بسیار معمولی و به امری متداول، تبدیل شده است، به طوری که امروزه مشاهده می‌شود در برخی کشورها به دلیل عدم همسویی با نظم حاکم سیاسی بر نظام بین الملل اعتراضات عادی مردمی نیز شکل سیاسی به خود می‌گیرد و باعث

می‌شود که منجر به شورش و اغتشاشات و جرائم علیه امنیت ملی آن کشورها شود؛ این امر، دقیقاً همان تسویه حساب‌های سیاسی دولت‌ها است که به حوزه‌ی رسانه‌ها کشیده است که مدیریت افکار عمومی کشور درگیر در چنین اعتراضی را بر عهده می‌گیرند و در پی اهداف و اغراض سیاسی خود رهنمون می‌سازند؛ پس امروزه، نقش رسانه‌ها در مدیریت افکار عمومی در جهت کنترل و تشدید جرائم علیه امنیت عمومی، کاملاً اثبات شده است.

یکی از رویکردهای جرم‌شناسی پیشگیری که در این موارد می‌توان مورد توجه قرار داد، اندیشه کردن به مشکلات با رویکردهای آینده نگر است که با مطالعه علمی و به اصطلاح آینده پژوهی اجتماعی با تأکید بر رویکردهای امنیتی به راحتی می‌توان برخی از مسائل را پیش بینی و در زمان خاص حداقل آسیب‌های آن را کاست. می‌توان در برخی از بحران‌های اجتماعی قابل پیش بینی و محتمل، با استفاده از رویکردها و ظرفیت‌های جرم‌شناسی پیشگیری امنیت مدار، خیلی از مشکلات بالقوه را به نحوه مطلوب- تری مدیریت کرد.

کتابشناسی

۱. بیابانی، غلامحسین، (۱۳۹۲)، «نقش رسانه در پیشگیری از جرم»، فصلنامه علمی رسانه، شماره: ۳، پیاپی ۲۴.
۲. دانش، پروانه؛ ذاکری نصر آبادی، زهرا؛ سادات عبداللهی، عظیمه، (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، شماره: ۳، پیاپی ۵.
۳. خوئینی، مینا؛ فراش بندی، رضا، (۱۳۹۶)، «شبکه‌های اجتماعی و شکاف بین نسلی»، مجموعه مقالات اولین دوره همایش ملی آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زمینه‌ها، چالش‌ها، و راهکارها).
۴. قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۴)، «سازمان‌گاری: سنتز پوزیتویسم و پست پوزیتویسم یا پلی میان نئورئالیزم و نتولیرالیزم»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، سال اول، شماره: ۲.
۵. مطلق، معصومه؛ فتحی، سروش، (۱۳۹۰)، «جهانی شدن و فاصله نسلی؛ مطالعه جامعه شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات»، مجله مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره: ۲، پیاپی ۵.
۶. میبیدی، محمد رضا؛ شادمان فر، محمد رضا؛ حیدری، مسعود، (۱۴۰۰)، «تغییر جهت گیری پیشگیری بر اساس سیاست‌های سخت گیرانه و سازوکارهای محدود کننده حقوق بشری در جرم شناسی امنیتی»؛ فصلنامه حقوق پزشکی ویژه نامه نوآوری حقوقی، دوره پانزدهم.
۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب زاده، محمد جعفر؛ شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۷۹)، «جرم سازمان یافته در جرم شناسی و حقوق جزاء»؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره چهارم، شماره: ۴، پیاپی ۱۷.
8. Brown, J.S; Collins, A; Duguid, P. (1989). "Situated cognition and the culture of learning". Educational Researcher. 18 (1): doi: 10.3102/0013189x018001032. HDL: 2142/17979. S2CID 9824073.
9. Deric, Shannon. (2011). Political sociology: oppression, resistance, and the state. Pine Forge Press. p. 150. ISBN 9781412980401. OCLC 746832550.

10. Eddy, Matthew Daniel. (2004). "Fallible or Inerrant? A Belated review of the Constructivist Bible". *British Journal for the History of Science*. 37: doi: 10.1017/s0007087403005338. S2CID 141028650.
11. Graham, Stephen; Aurigi, Alessandro. (1997). Virtual cities, social polarization, and the crisis in urban public space; *Journal of Urban Technology* Volume 4, 1997 - Issue 1, <https://doi.org/10.1080/10630739708724546>
12. Newman, Denis; Griffin, Peg; Cole, Michael. (1989). *The Construction Zone: Working for Cognitive Change in School*. Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-38942-6.
13. Obar, Jonathan; et al. (2012). "Advocacy 2.0: An Analysis of How Advocacy Groups in the United States Perceive and Use Social Media as Tools for Facilitating Civic Engagement and Collective Action". *Journal of Information Policy*. doi:10.5325/jinfopoli.2.2012.1. S2CID 246628982. SSRN 1956352.
14. Rogoff, Barbara. (1990). *Apprenticeship in thinking: cognitive development in social context*. Oxford University Press.
15. Scott, John; Marshall, Gordon. (2009). "Social movements", *A Dictionary of Sociology*, Oxford University Press, doi:10.1093/acref/9780199533008.001.0001, ISBN 978-0-19-953300-8.
16. Andrew Eungi. Kim, (2007). The social perils of the Korean financial crisis; *Journal of Contemporary Asia*, Volume 34- Issue 2, availability: <https://doi.org/10.1080/00472330480000061>
17. Buettner, R and Buettner, K. (2016). A Systematic Literature Review of Twitter Research from a Socio-Political Revolution Perspective. 49th Annual Hawaii International Conference on System Sciences. Kauai, Hawaii: IEEE. doi:10.13140/RG.2.1.4239.9442.
18. Buettner, R and Buettner, K. (2016). A Systematic Literature Review of Twitter Research from a Socio-Political Revolution Perspective. 49th Annual Hawaii International Conference on System Sciences. Kauai, Hawaii: IEEE. doi:10.13140/RG.2.1.4239.9442. CID 246628982. SSRN 1956352.
19. Danqing Caib, Chulu Lianga and Yang Chen. (2018). Understanding WeChat Users' Behavior of Sharing Social Crisis Information; *International Journal of Human-Computer Interaction*, Volume 34, Issue 4, accessible: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10447318.2018.1427826>
20. de Leon, Cedric. (2013). *Party & society: reconstructing a sociology of democratic party politics*. ISBN 9780745653686. OCLC 856053908.
21. Gruffydd Jones, Branwen. (2008). The global political economy of social crisis: Towards a critique of the failed state ideology; *Review of International Political Economy* Volume 15, 2008 - Issue 2. <https://doi.org/10.1080/09692290701869688>
22. Matthews, Michael. (1998). *Constructivism in Science Education: A Philosophical Examination*. Dordrecht: Springer Science & Business Media. x. ISBN 9780792349242.
23. Nola, Robert; Irzik, Gürol. (2006). *Philosophy, Science, Education and Culture*. Springer Science & Business Media. ISBN 978-1-4020-3770-2.
24. Obar, Jonathan. (2013). "Canadian Advocacy 2.0: A Study of Social Media Use by Social Movement Groups and Activists in Canada". SSRN 2254742.
25. Obar, Jonathan. (2013). "Canadian Advocacy 2.0: A Study of Social Media Use by Social Movement Groups and Activists in Canada". SSRN 2254724.
26. Opp, Karl-Dieter. (2009). *Theories of Political Protest and Social Movements: A Multidisciplinary Introduction, Critique and Synthesis*. Routledge. ISBN 978-1-134-01439-2.
27. Patrick Thaddeus Jackson and Daniel H. Nexon. (2002). "Whence Causal Mechanisms? A Comment on Legro" in *Dialogue IO* Vol. 1.
28. Pugh, Jeff. (2008). "Vectors of Contestation: Social Movements and Party Systems in Ecuador and Colombia". *Latin American Essays*. PDF Available:

- https://www.researchgate.net/publication/270512275_Vectors_of_Contestation_Social_Movements_and_Party_Systems_in_Ecuador_and_Colombia.
29. R L O'Block. (1981). Security and Crime Prevention, NCJ Number 78284. The above analytical article is accessible at: <https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/security-and-crime-prevention>.
30. Seifert, Kelvin & Sutton, Rosemary. (2009). Educational Psychology: Second Edition Archived 2017-08-29 at the Way back machine. Global Text Project, <https://resources.saylor.org/wwwresources/archived/site/wpcontent/uploads/2011/04/Educational-Psychology>.
31. Bukalerova, L. A; Ostroushko, A. V & Criez, O. (2021). Crimes against information security of minors committed through information and telecommunication networks (including the Internet). Vestnik of Saint Petersburg University. Law.
32. Gürcan, E. C. (2019). The strategic and economic crisis of open regionalism in Europe. Multipolarization, South–South Cooperation, and the Rise of Post-Hegemonic Governance.
33. Zhou, Y; Kara, A & Molyneux, P. (2017). Chair-CEO Generation Gap and Bank Risk-Taking. Corporate Finance: Governance.
34. Harrasova, G. V & Yagudin, R. S. (2023). Cyber environment and measures information security minors. interaction of state authorities, local government and educational organizations in the field of counteraction and prevention of asocial phenomena in the youth environment.